

مطالعه تطبیقی گفتمان رسانه‌ای «داعش» و «جیش رجال الطریقه النقشبندیه»

یاسر قزوینی حائری *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 3، پیاپی 71، پاییز 1396؛ صفحات 167-191

تاریخ دریافت: 1396/7/03 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/08/30

چکیده

پس از سقوط نظام صدام در سال 2003 کشور عراق به میدانی برای خودنمایی گروه‌های تکفیری و افراطی تبدیل شد، میدانی که پس از چند سال کل منطقه غرب آسیا و البته دیگر مناطق جهان را تحت تأثیر قرار داد. در این بین سقوط موصل در سال 2014 یک نقطه عطف بود که عامل عمده آن جریانی بود که داعش نامیده شد. گروه‌ها و جریان‌های دیگری نیز به سقوط موصل کمک کردند که یکی از این گروه‌ها «جیش رجال الطریقه النقشبندیه» نام دارد. در این مقاله تلاش شده تا نشان داده شود که صرف همکاری این دو گروه در سقوط موصل نمی‌تواند نشان دهنده نزدیکی ایدئولوژیک این دو گروه باشد. در واقع دو گروه در مسائل مختلف گفتمانی از جمله فلسفه شکل‌گیری و اهداف بلند مدت و مشروعیت و هویت و غیریت با یکدیگر تفاوت‌هایی اساسی دارند، امری که نشان می‌دهد سقوط موصل به عنوان یک هدف مقطعی و تاکتیکی و نه مسائل گفتمانی و ایدئولوژیک موجب نزدیکی این دو گروه با یکدیگر شده بود.

واژگان کلیدی

جیش رجال الطریقه النقشبندیه، داعش، گفتمان، رسانه، دیگری، خلافت، طریقت

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، y.qazvini@ut.ac.ir

مقدمه

تحولات منطقه غرب آسیا پس از آغاز هزاره سوم مسیحی و به ویژه پس از سقوط نظام صدام حسین در آوریل سال 2003 تحولاتی سریع، پیچیده و دارای سطوح مختلفی می‌باشند که همین خصصت‌ها باعث شده‌اند تا جریان‌شناسی و وضع‌شناسی در این منطقه هرچه بیشتر مستلزم شناختی دقیق و جزئی باشد، چه، ارائه شناخت‌هایی کلی و تک بعدی گاه بیش از آنکه ما را به پاسخ‌ها و راهبردهایی درست رهنمون سازند، رهن خوارند.

در این بین و با توجه به بالا گرفتن موج خشونت‌های دینی و مذهبی بعد از اشغال عراق از سوی نیروهای آمریکایی در آوریل 2003 شناخت گروه‌های مسلح جهادی و غیر جهادی فعال در صحنه منطقه برای رسیدن به شناختی نسبتاً واقعی از سیر حوادث منطقه حائز اهمیت می‌باشد.

جریان‌های جنگجو امروز در منطقه با آگاهی‌ای نسبی اما حرفه‌ای و گاه غیر حرفه‌ای از تأثیر رسانه بر حوادث از تولیدات مختلف رسانه‌ای در ساحت‌های مختلف نوشتاری، دیداری و شنیداری در جهت مشروعیت‌سازی، جذب نیرو و ایجاد ارباب در میان صفوف دشمن یا قربانیان و... یاری می‌جویند. برخی از کارشناسان، رسانه را اکسیژنی که کنش تروریستی را زنده می‌کند یا زنده نگاه می‌دارد تلقی می‌کنند، سلاحی ضروری برای گروه‌های جنگجو در منطقه. (حمدان، 2016: 112) از سوی دیگر این تولیدات خود بهترین منبع را برای شناخت گفتمان القایی از سوی این جریان‌ها فراهم می‌سازد.

پس از اشغال عراق در سال 2003 گروه‌های مختلفی با پیشینه‌های گوناگون به ویژه گروه‌های سنی از جمله گروه‌های وابسته به نظام سابق عراق با مدعای مقاومت در برابر اشغالگر توجه تحلیل‌گران را به خود جلب کردند. (زبیدی، 2008: 360) کارشناسان و ناظران صحنه سیاسی عراق پس از 2003 به خوبی می‌دانند که نام‌های مختلفی قارچ‌وار تحت عنوان مقاومت سر برآوردند و



عملیات‌های مختلف را به خود منتسب می‌کرده و تولیداتی رسانه‌ای نیز داشتند. می‌توان این گروه‌ها و جریان‌های اصطلاحاً جهادی را با دو آشخور بعثی وابسته به نظام سابق و سلفی جهادی نزدیک به رویکردهای گروهی مثل القاعده و همچنین به دو دسته عراقی و غیر عراقی تقسیم کرد، دوگانگی‌ای که گاهی تلاش می‌شد تا در هم آمیخته شود، امری که همواره در میان گروه‌های مسلحی از این دست مشکل‌ساز بود. (قزوینی، 1386: 96)

ابومصعب الزرقاوی تروریست اردنی که در سال 2002 به عراق آمده بود توانست پس از اشغال عراق گروهی تحت عنوان التوحید و الجهاد تأسیس کند که بعدها به عنوان شاخه القاعده در عراق خوانده شد و با شکل‌گیری شوری المجاهدین (همان) و پس از کشته شدن زرقاوی بنای شکل‌گیری داعش توسط همین گروه نهاده شد.¹

اما جیش رجال² گروهی است با مناسباتی صوفیانه و پیشینه وابسته به نظام سابق عراق تحت ارشاد شیخ ابو عبدالله عبدالرحمن النعمی³ و با رهبری عزت

1. لازم به ذکر است که کتاب‌ها و مقالات زیادی به زبان‌های مختلف درباره داعش نوشته شده‌اند که شاید یکی از نخستین کتاب‌ها بتوان به کتاب «الدوله الاسلامیه، الجذور، التوحش، المستقبل» نوشته روزنامه‌نگار پرآوازه عرب عبدالباری عطوان اشاره کرد. در این بین برای شناخت داعش در قالب عراقی‌اش کتاب «عالم داعش» نوشته هشام الهاشمی نیز پیشنهاد می‌شود.

2. برای اختصار از این فقره به بعد به جای تعبیر «جیش رجال الطریقه النخبندیه» از تعبیر جیش رجال استفاده خواهد شد.

3. نام شیخ النعمی یا ابو عبدالله بارها در سرودها و فیلم‌های تولید شده از سوی بخش رسانه‌ای جیش رجال به عنوان قطب و شیخ تکرار می‌شود. به عنوان نمونه برای استفاده از لقب «ابو عبدالله» رک: الاصدار رقم 30 و الاصدار رقم 55 و الاصدار رقم 76 و الاصدار رقم 120 و الاصدار 124 و... جالب است که در فیلم شماره 185 شاعر سرود پسر شیخ یعنی عبدالله را مخاطب قرار داده و او را به خاطر افتخار به پدرش محق می‌داند. اما برای استفاده از لقب «النعمی» رک: الاصدار رقم 52 و الاصدار رقم 70 و الاصدار رقم 177، الاصدار رقم 178، الاصدار رقم 179 و الاصدار رقم 181 و... لازم به ذکر است که سید علی موجانی لقب رهبر معنوی جیش رجال را عبدالرحمن العزی تلقی کرده و او را از خاندان سادات العزی دانسته و بر این اساس تحلیل خود را سامان داده‌اند (موجانی، سید علی، ریشه‌های تجدید حیات خلافت اسلامی و تاثیر ژئوپلیتیک آن، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، تهران، 1394، ص 168) با اینکه با توجه به تکرار نام مرشد گروه در تولیدات رسانه‌ای با عنوان النعمی، موجانی هیچ اشاره‌ای به این لقب نکرده است. این در حالی است که سادات العزی با سادات النعمی متفاوت‌اند. درواقع سادات العزی ادعای بازگشت به فرزندان امام زین العابدین (ع) را دارند اما سادات النعمی طبق نظر عزاوی گفته شده که حسنی‌اند (العزای المحامی، عباس، موسوعه

ابراهیم الدوری نفر دوم حزب بعث عراق که پس از اعدام صدام در سال 2006 خود را به عنوان دبیرکل حزب معرفی می‌کرد. این گروه در دسامبر سال 2006 و پس از اعدام صدام رسماً طی بیانیه‌ای جیش رجال تأسیس شد، این در حالی است که سخنگوی رسمی جیش رجال صلاح‌الدین الایوبی در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی البابیله مدعی است که جیش رجال در سال 2005 از موجودیت خود پرده برداشته است. این گروه که برخی معتقدند در رابطه با قدرتش بزرگنمایی شده است با آغاز اعتراضات در مناطق غربی عراق در سال 2011 خود را از «انقلابیون» خواند و در ادامه در سقوط موصل مشارکت کرد. عزت‌الدوری در همان زمان از گروه‌های مختلفی که به عنوان شرکت‌کنندگان در سقوط موصل تلقی می‌کرد تشکر کرد. او در ابتدا و به ترتیب از گروه‌های جیش رجال الطریقه النقشبندیه، لجیش الوطنی (ارتش ملی)، القیاده العلیا للجهاد و التحریر (به عنوان گروه دربرگیرنده جیش رجال و 31 گروه دیگر¹)، الجیش الاسلامی، جیش المجاهدین و برخی از هسته‌های گروه انصار السنه و گروه کتائب ثوره العشرین تشکر کرد. و در پایان فهرست گروه‌ها به طور ویژه از الدوله الاسلامیه و القاعده و عفو عامی که این گروه در مناطق اشغالی اعلام کرده بود سپاسگزاری نمود.² عزت‌الدوری در این بیانیه سقوط موصل را نتیجه فعالیت تمام این گروه‌ها و در رأس آن‌ها جیش رجال دانست، هرچند سپاس ویژه‌اش را نثار الدوله الاسلامیه کرد و آشکار است که با ذکر عفو عمومی دولت اسلامی عراق نسبت به سیطره داعش بر این مناطق آگاه و پذیراست.

اما دیری نپایید که داعش سیطره خود را بر مناطق متصرفه مستحکم تر کرد و

عشائر العراق اهل الاریاف، المجلد الثالث، الدار العربیه للموسوعات، بیروت، 2005-1425، ص 279) البته خودشان معتقدند که حسینی هستند و خود را از نوادگان سید ابراهیم مجاب فرزند امام موسی کاظم (ع) می‌دانند (همان، ص 281)، که نسبشان با سادات العزی متفاوت خواهد بود. حسینی بودن النعمی در آثار رسانه‌ای جیش رجال نیز بازتاب دارد به عنوان نمونه رک: الاصدار رقم 180.

1. مصاحبه شبکه البابیله با سخنگوی جیش رجال الطریقه النقشبندیه صلاح‌الدین الایوبی.
2. بیانیه صوتی عزت ابراهیم الدوری پس از اشغال استان‌های نینوی و صلاح‌الدین توسط داعش.



پس از عفو عامی که عزت الدوری نسبت به آن سپاسگزاری کرده بود، اعضای دیگر گروه‌ها یا بایست از گذشته خود توبه کرده وارد فرایند استتابة و دوره‌های آموزش عقیدتی می‌شدند و تحت حاکمیت خلافت در می‌آمدند و یا اینکه به عنوان مرتد شناخته می‌شدند.

به نظر می‌رسد جیش رجال در آستانه سیطره یافتن داعش بر مناطق مختلفی از عراق پس از یک دوره اعتراض در مناطق سنی عراق، کنشگرانی که اتفاقات را رقم می‌زدند «ثوار العشائر» تلقی می‌کرد. تعبیری که در آستانه سقوط موصل و در ادامه اعتراضات مناطق سنی شکل گرفته بود. در همین فضا است که سخنگوی جیش رجال با اسم مستعار صلاح‌الدین الایوبی اظهار داشت که «انقلابیون» پاکسازی صفوف خود را از ناپاکی‌هایی که اشغالگران در صفوف انقلابیون ایجاد کرده‌اند را پس از سقوط بغداد انجام خواهند داد. (ایوبی، 2014)

در این بین چگونگی پیوند یافتن گروه‌هایی مختلف از جمله جیش رجال الطریقه النقشبندیه با گروه موسوم به دولة العراق الاسلامیه که بعداً نام الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام بر خود نهاد و در نهایت الدولة الاسلامیه یا دولة الخلافة نام گرفت امری پرسش‌برانگیز است.

درواقع نقطه عزیمت ما در این نوشته از آنجا ناشی می‌شود که گاهی «جیش رجال الطریقه النقشبندیه» به ویژه پس از شایع شدن خبر کشته شدن عزت الدوری همراه و هم‌آوا با داعش تلقی می‌شود، (حمد، 2015) امری که با اعلام جنگ جیش رجال علیه داعش در آستانه آزادسازی موصل درخور بازنگری جدی است. (بیانیه جیش الرجال، 2015)

پرسش اصلی ما در همین باره است، اینکه پیوند جیش رجال الطریقه النقشبندیه با داعش پیوندی ایدئولوژیک و بر مبنای باورمندی جیش رجال و داعش به عقاید یکدیگر و به دلیل هدف یکسان دو گروه بوده است و یا اینکه این پیوند را باید پیوندی استراتژیک و مقطعی بلکه پیوندی تاکتیکی دانست؟

پرسش دیگری که از نظر گفتمانی باید برای یافتن پرسش بالا به آن پاسخ گفته شود این است که نسبت باورهای جیش رجال و داعش چگونه است و با توجه به گفتمان القایی این دو گروه آیا امکان پیوند ایدئولوژیک بین این دو گروه هست یا خیر؟

پاسخ موقت به پرسش بالا یا فرضیه نوشته ما این است که از نظر گفتمانی و با توجه به بررسی گفتمان تولیدات رسانه‌ای دو گروه نمی‌توان نزدیکی ایدئولوژیک بین دو گروه یافت، از همین رو باید گفت که پیوند این دو گروه برای هدف مقطعی دست یافتن به شهرهای مختلف عراق و چه بسا بغداد بود همچنانکه از سخنان پیش گفته سخنگوی جیش رجال نیز بر می‌آید. درواقع جیش رجال در برهه زمانی پس از اعتراضات مناطق غرب عراق و در آستانه سقوط پیایی شهرهای مختلف هدف اصلی را به دور از اختلافات ایدئولوژیک ساقط کردن شهرهای مختلف می‌دانست و رسیدگی به اختلافات ایدئولوژیک را به وقتی دیگر سپرده بود.

در این نوشته قصد داریم تا گفتمان القایی از سوی گروه «جیش رجال الطریقه النقشبندیه» را با گروه موسوم به «دولت خلافت» یا داعش مقایسه کنیم. قصد این نوشته شناسائی دو گروه «داعش» و جیش رجال نیست که سخن درباره آن مجالی دیگر می‌طلبد، بلکه قصد اصلی مقایسه گفتمان رسانه‌ای این دو گروه می‌باشد، هرچند در هر صورت با مقایسه گفتمان این دو گروه هرچند نتوان شناسایی جامع و دقیقی از این دو گروه انجام داد اما می‌توان به صورتبندی فکری آن‌ها نقب زد.

خلافت یا طریقت

خلافه علی منهاج النبوه یا به تعبیر دیگر، دوله الخلافه یا الدوله الاسلامیه که بر مبنای حدیثی منسوب به پیامبر اکرم صلوات الله علیه که در میان اهل سنت از



جایگاه ویژه‌ای برخوردار است نشانگر خلافت آخرالزمانی است درواقع دال مرکزی گفتمانی است که داعش به آن فرامی‌خواند. درواقع این خلافت آخرالزمانی پیش از داعش نیز در میان جهادی‌ها رایج بود مثلاً در مقدمه کتاب الفریضه الغائبه نوشته عبدالسلام فرج که از سوی برخی به عنوان موسس سلفیه جهادی تلقی می‌شود نیز به این امر پرداخته شده. خلافت آخرالزمانی که در احادیث مورد اعتماد بخش زیادی از اهل سنت روزی فرا خواهد رسید و امید به آن در دوره جدید توسط گروه‌های مختلف اسلام‌گرا مطرح می‌شود یکی از مهمترین مسائلی است که داعش به بهانه آن به سوی خود دعوت می‌کند. داعش درواقع خود را برپا کننده خلافت آخرالزمانی قلمداد می‌کند.

سید علی موجانی در کتاب ریشه‌های تجدید حیات خلافت اسلامی و تاثیر ژئوپلیتیک آن تلویحاً تئوری «تجدید حیات خلافت اسلامی» را با نگاه نقشبندی که در جیش رجال الطریقه النقشبندیه ظهور و بروز یافته همراه می‌داند، (موجانی، 1394: 121) این در حالی است که در تولیدات رسانه‌ای جیش رجال نمی‌توان اثری از مفهوم خلافت و مفاهیم آخرالزمانی و ترکیب این دو که از سوی سلفیه جهادی به ویژه داعش تبلیغ می‌شود یافت. با اینکه جیش رجال در تولیدات تصویری خود از احادیث و روایت‌های مختلف منتسب به پیامبر اکرم صلوات الله علیه استفاده می‌کند اما هیچ‌گاه به مسئله بازگشت خلافت و خلافت آخرالزمانی نمی‌پردازد، و هیچ‌گاه طرح و هدف خود را نه با خلافت و نه مفاهیم آخرالزمانی به ویژه خلافت آخرالزمانی پیوند نمی‌زند، بلکه می‌توان گفت که پر بسامدترین واژه در سرودها و قصاید و مدایح تولیدی جیش رجال خود واژه «نقشبندیه» و یا «نقشبندی» است، و تأکید ادبیات این گروه بیش از هر چیز بر رهبری فره مند و صوفیانه شخص نعیمی است، از سویی چنانکه خواهد آمد هدف اصلی تشکیل این گروه نیز نه تشکیل خلافت بلکه دفاع از میهن در برابر اشغالگر تلقی می‌شود.

نهاد خلافت یا شیخ طریفت

برخی کارشناسان بر جنبه‌های کاریزماتیک ابوبکر بغدادی در میان داعش تأکید می‌کنند، و چه بسا پنداشته شود که داعش در گفتمان خود متکی بر شخص ابوبکر بغدادی است، این در حالی است که گفتمان داعش بیش از اینکه شخص محور باشد و بر کاریزمای کسی چون بغدادی تأکید کند با در نظر گرفتن تفکیک وبری نظام کاریزماتیک و نهادی، بر نهاد خلافت و دولت اسلامی تأکید می‌کند. (Ignatius, 2014: 104) درواقع نمی‌توان بسامد نام ابوبکر بغدادی را در گفتمان داعش در مقابل بسامد واژگانی چون الدوله، الدوله الاسلامیه یا الخلافه خیلی زیاد دانست، اما گفتمان جیش رجال به وضوح متکی بر شخصیت و نام نعیمی است و در قصیده و سرود و یا مدحی نیست که نام او حداقل یک بار یا بیشتر ذکر نشود. بیشتر او را شیخ می‌خوانند و گاهی شیخ طریقت، گاهی نیز سید می‌خوانندش و گاهی هم سید و شیخ با هم. گاهی نیز مجدد ادیان تلقی‌اش می‌کنند و گاهی ولی و مرشد گاه چون نوح علیه‌السلام به او نقش سکانداری کشتی نجات می‌دهند و گاه چون ابراهیم علیه‌السلام او را در نقش بت‌شکن تصویر می‌کنند، گاهی نیز او را شیخ عارف می‌گویند و گاه عارف عامل می‌خوانند. یکی از پر بسامدترین تعبیری که در سرودها و مدایح و قصاید جیش رجال برای شیخ نعیمی استفاده می‌شود تعبیر «وارث النبی» و تعبیری از این دست است که در آن نعیمی را وارث پیامبر صلوات الله علیه تلقی می‌کند. گاهی نیز از نعیمی تحت عنوان وارث انبیاء یاد می‌شود. نقش نعیمی در گفتمان جیش رجال تا حدی است که گاهی از جیش رجال الطریقه النقشبندیه در گفتمان این گروه با عنوان «جیش النعیمی» یا «جیش ابو عبدالله» یاد می‌شود این در حالی است که چنانکه گفته شد نمی‌توان تأکید بر اشخاص را در گفتمان داعش اینچنین پر رنگ دید. درواقع داعش در گفتمان رسانه‌ای خود بیشتر بر خود دولت و خلافت تأکید می‌کند تا رهبر دولت یا خلیفه.

النعمی و عبدالعزیز الدوری

یکی از مسائل مهم و مبهمی که درباره جیش رجال وجود دارد چگونگی نسبت و ارتباط گروه با عزت ابراهیم الدوری و به طور کلی حزب بعث است.¹ در مقالات آثار مختلف تحلیلی معمولاً با به حاشیه راندن رهبری صوفیانه گروه و برجسته‌سازی رهبری الدوری به عنوان رهبر مطلق، جیش رجال را گروهی تحت رهبری عزت ابراهیم الدوری تلقی می‌کنند، اما با مشاهده ویدئوهای تبلیغی این گروه این‌گونه به نظر خواهد رسید که مسئله کمی پیچیده‌تر است، چرا که در سرودها و مدایح و قصاید تقریباً نامی از عزت الدوری نمی‌آید و اگر بخواهیم دایره را بزرگ‌تر بگیریم تنها یک بار نام صدام حسین در تمام تولیدات بررسی شده ذکر می‌شود،² در حالی که جا به جا از نعمی به عنوان رهبر و مرشد گروه نام برده می‌شود.

در این بین توجه به تعابیر بیعت و معاهده‌ای که در تولیدات رسانه‌ای مختلف جیش رجال وجود دارد مهم است هرچند خیلی زیاد نیستند تا به لحاظ نظری اطمینان‌آور باشد.

پیش از اینکه این بحث را ادامه دهیم بهتر است به نکته مهمی اشاره کنیم و آن اینکه معمولاً صیغه معاهده دسته‌های مختلف جیش رجال این‌گونه است: «نعاهد الله و رسوله و شیخنا و المؤمنین...» هرچند گاهی از واژه بیعت نیز در میان جیش رجال استفاده می‌شود. اما در هر صورت به نظر می‌رسد نسبت اعضای جیش با رهبری مانند داعش بر مبنای بیعت شرعی نیست بلکه گونه‌ای معاهده است.

اما در هر صورت می‌توان گفت که دسته‌های مختلف جیش در تعابیر بیعت و

1. شاید این امر ارتباط مستقیمی با موضوع مقاله نداشته باشد، اما اشاره به آن ضروری به نظر می‌رسد.
2. در تمام آثار بررسی شده تنها در فیلم شماره 106 نام صدام ذکر می‌شود: «شرطی و جندی و نقشبندی عرب و کردی کلنا شعب صدام»

معاهده خود همواره نام نعیمی را تحت عنوان «شیخنا» می‌آورند اما نام بردن از «القیاده العلیا للجهاد و التحرير» که عنوان الدورى در ارتباط با جیش رجال می‌باشد گاهی آورده می‌شود و گاهی نه.

شیخ و احباب

در گفتمان رسانه‌ای جیش رجال این رابطه صوفیانه مراد و مرید است که به عنوان سامانه تنظیم‌کننده گروه تلقی می‌شود. در این بین گاهی از واژگان مرید و مراد استفاده می‌شود، اما بیشترین واژه‌ای که هم ارز مفاهیم مراد و مریدی استفاده می‌شود، واژه «احباب» است. واژه‌ای که در ادبیات صوفیانه واژه‌ای آشناست. گاهی نیز از پیروان نعیمی با عنوان احباب النعیمی و یا احباب النبى یا احباب الرسول یا احباب الحبيب یاد می‌شود. جیش رجال گاهی روایت‌هایی شورانگیز از رابطه خود با شیخ ارائه می‌دهد که جالب توجه است. به عنوان نمونه در قصیده‌ای که در اصدار شماره 78 مورد استفاده قرار گرفته و ما به اختصار به آن می‌پردازیم این رابطه این گونه روایت می‌شود:

بشارتی آمد که بغداد به زودی بازپس گرفته می‌شود. شیخ نعیمی گفت به زودی کار فیصله می‌یابد او می‌داند که مردان طریقت به امر خدا پیروز می‌شوند... ابو عبدالله گفت پرچم را معطر کنید.. مجاهدان گفتند صبح هنگام برایمان دعا کن، اگر بخواهی برای وطن جانمان را فدا می‌کنیم... احباب جمع شدند و شیخ لبخندی زد و عصر هنگام به دیدارشان رفت... شیخ طریقت خشمگین نشد و گفت دمی منتظر می‌شویم... او منتظر امر الهی است و با امر الهی مخالفت نمی‌کند... گفت تمرین احباب متوقف نشود... آن وقت بود که بیرق‌های پیروزی را دیدیم و زمان پیروزی آغاز شد و تک تیرانداز طریقت شروع به هدف قراردادن سرهای علوج (آمریکایی‌ها) کرد...

یکی دیگر از مفاهیمی که شیخ و مریدان را به هم مرتبط می‌سازد، مفهوم



تربیت و تعلیم می‌باشد. درواقع در اشعار و مدایح و سرودها احباب و مریدان می‌گویند که تربیت‌یافته و تعلیم‌یافته شیخ نعیمی هستند و نسبت به این امر افتخار می‌کنند. بی‌گمان از چنین اصطلاحات و تعبیری برای توصیف دواعش در رسانه‌های ایشان بهره برده نمی‌شود. از سویی جیش رجال هیچ‌یک از این تعبیر را برای کسی مانند عزت ابراهیم الدوری و یا صدام حسین و یا هیچ کس دیگری از رؤوس بعث استفاده نمی‌کنند.

وطن باوری؛ شرک یا ایمان

داعش هویت‌هایی مانند هویت‌های ملی و وطنی را می‌شکند و اعتقاد به آن را شرک تلقی می‌کند و مقوله امت را ترویج می‌کند، آن هم امتی به رهبری خلیفه‌ای آخرالزمانی. مفهوم امت در ترکیب‌های مختلف مانند امتی (امت من) نیز در سرودهای داعش زیاد دیده می‌شوند. امتی که پیش از این تاریخی عزمتند داشته و الان چند صباحی است به ویژه از رهگذر شکل‌گیری هویت‌های جدید که پس از مرزبندی‌های جدید همچون آنچه در معاهده سایکس - پیکو ظهور کرد دچار ذلت شده، امتی که داعش قرار است ناجیش باشد و آن را به عزت اولیه‌اش برگرداند. شاید بتوان گفت یکی از مهمترین نقاط اختلاف گروهی مانند جیش رجال و گروهی مانند داعش همین مسئله وطن و میهن است. در حالی که داعش وطن پرستی را گونه‌ای شرک تلقی می‌کند، جیش رجال نه تنها بر باورمندی و ایثار خود نسبت به خاک وطن تاکید می‌کند، اساساً وظیفه خود را دفاع از خاک وطن تلقی می‌کند. در حالی که ما در گفتمان داعش مفهوم «حماء الدین» (پاسداران دین) را داریم. در گفتمان جیش رجال که در آن نام وطن همواره در کنار دین می‌آید مفهوم «حماء الوطن» (پاسداران میهن) یا «حماء الارض» (پاسداران خاک) داریم.

عرب‌گرایی و میهن‌گرایی

از سوی دیگر گفتمان جیش رجال بیشتر مایه‌های میهن‌گرایی از خود نمایان می‌سازد تا عرب‌گرایی از نوع بعثی.

درواقع جیش رجال از آن رو که بیشتر اعضایش از منتسبان ارتش سابق عراق می‌باشند و همچنین با توجه به ارتباطی که با عزت ابراهیم الدوری دارد از نشانه‌هایی عرب‌گرایانه بهره می‌برد. به عنوان مثال نشان این گروه جهان عرب را به رنگ سبز به عنوان نماد عرب‌گرایی نشان می‌دهد هرچند پرچم عراق دوره آخر صدام (به همراه الله اکبری که صدام در دهه 90 روی پرچم نگاشت) سرتاسر این نقشه را فرا گرفته است. در فیلم‌های جیش رجال نیز بخش‌های مختلف با حدیثی منتسب به پیامبر اکرم صلوات الله علیه از هم جدا می‌شوند که می‌توان گفت نیمی از این احادیث، احادیثی هستند در ستایش مجاهد و شهید از آن گونه که مورد استفاده داعش و دیگر گروه‌های سلفی جهادی نیز هست، و نیم دیگر این احادیث، احادیث منتسب به پیامبر هستند که به گونه‌ای برتری عرب اشاره دارند.¹ در قصاید و سرودها و مدایح جیش رجال آنگونه که در فیلم‌های این گروه بازتاب یافته‌اند اشاره به ریشه عربی² کمتر از گونه‌ای میهن‌گرایی مبتنی بر تنوع قومی عراق است. درواقع عرب‌گرایی به جز در نشانه جیش رجال و احادیثی که در میانه فیلم‌ها دیده می‌شوند در سرودها و قصاید و مدایح بازتابی بسیار کمتر از میهن‌گرایی عراقی دارند. شاید بتوان اینگونه گفت که عرب‌گرایی بیش از اینکه در محتوای رسانه‌ای جیش رجال نمود داشته باشد در قالب رسانه‌ای جیش رجال نمایان می‌شود، همچنانکه رهبری عزت ابراهیم الدوری بر این گروه نیز چنانکه از گفتمان رسانه‌ای این گروه بر می‌آید، از بیرون و

1. لازم به ذکر است که این احادیث عمدتاً از سوی محدثان شیعی و برخی محدثان اهل سنت درست تلقی نمی‌شوند.

2. از جمله معدود بخش‌هایی که در فیلم‌های جیش رجال به جز بخش احادیث، به عرب‌گرایی اشاره شده است.

رهبری‌ای بروکراتیک و قالبی است تا اینکه به طور محتوایی و شورانگیز در رأس هرم این گروه مانند النعیمی قرار گیرد.

دارالکفر و دارالاسلام

یکی دیگر از تفاوت‌ها و اختلافات اساسی بین داعش و جیش رجال در جغرافیای ذهنی و ارزشی ایست که ارائه می‌دهند. در این بین داعش به ویژه پس از اعلام خلافت متمسک به دوگانه دارالاسلام و دارالکفر است اما جیش رجال خود را گروهی عراقی و متمسک به جغرافیای عراق به عنوان سرزمین انبیا و اولیا و به عنوان مصداق وطن می‌داند.

دوگانه دارالکفر و دارالاسلام مفهوم سرزمینی - هویتی است که جغرافیا را نه طبق قواعد مرسوم بین‌المللی، بلکه بر اساس قواعد سنت اسلامی تقسیم می‌کند. این دو مفهوم با دال مرکزی خلافت معنی می‌یابند و مفصل‌بندی می‌شوند، یعنی در چارچوب اندیشه سیاسی سنی باید خلافت تشکیل شود و بعد از آن تمکین شکل گیرد و سپس تقسیم جغرافیایی دارالکفر و دارالاسلام شکل گیرد.¹ در این بین یکی از دال‌های پیرامونی گفتمان داعش مفهوم هجرت است که گاهی در کنار جهاد دوگانه هجرت و جهاد را تشکیل می‌دهند که در پی هم می‌آیند و گاهی هم به دوگانه مهاجر و انصار تحویل داده می‌شود. درواقع با تشکیل دارالاسلام مسلمانان باید به دارالاسلام هجرت کنند و یا اینکه چنانکه در مورد قبلی گفته شد در قالب یک گرگ تنها به جهادی تک نفره در دارالکفر دست بزنند. در این بین هجرت خارجی‌ها به سرزمین‌های دیگر در قالب جهاد همواره برای گروه‌های بومی مسئله ساز بوده است، چه بسا تأکید جیش رجال بر عراق به عنوان وطن از همین رو و برای به حاشیه رانی جنگجویان غیر عراقی صورت

1. ابوبکر بغدادی در بیانیه‌ای تحت عنوان فتر بصر فانا معکم متر بصر بر مبنای مفهوم آخرالزمانی فسطاط الایمان و فسطاط الکفر تفسیری آخرالزمانی از دارالکفر و دارالاسلام می‌دهد.

گرفته باشد.

عراق به مثابه وطن

نگاه جیش رجال بسیار متفاوت از نگاهی است که بر گفتمان داعش سایه افکنده است. جیش رجال خود را جریانی کاملاً در چارچوب هویت عراقی تعریف می‌کند و در این بین نشانه‌های متفاوتی با داعش ارائه می‌کند.

زبان عربی - لهجه عراقی

در ابتدای فیلم‌های جیش رجال قرائت آیاتی از قرآن کریم گنجانده شده است که شیوه قرائت قرآن در آن شیوه‌ای عراقی است که از آن تحت عنوان «الطور العراقی» یاد می‌شود، این در حالی است که قرائت قرآن در تولیدات رسانه‌ای داعش از شیوه ترتیل که شیوه‌ای عمومی در میان تمام مسلمانان است استفاده می‌کند.

نشانه واضح دیگر، اناشید، مدایح و قصاید جیش رجال است که عمدتاً با لهجه عراقی ارائه می‌شوند، هرچند تعدادی نشید یا سرود به عربی فصیح نیز در میان تولیدات رسانه‌ای جیش رجال دیده می‌شود، ولی عمده تولیدات صوتی این گروه به لهجه عراقی می‌باشند و البته مدایح که معمولاً با نوای دف همراه می‌باشند حال و هوای حلقه‌های صوفیانه را یادآور می‌شوند،¹ این در حالی است که در تولیدات رسانه‌ای داعش به ندرت می‌توان تولیدات صوتی یا تصویری‌ای در قالب لهجه‌های متنوع عربی یافت. دواعش متعمد هستند تا سرودها و سخنرانی‌های خود را به جز اندکی سرود به لهجه یمنی و یا لهجه نجدی، به عربی فصیح ارائه کنند تا خود را به عنوان گروه مرجع و گروهی فراملی و وفادار به زبان معیار نشان دهند.

1. در این بین عدم استفاده داعش از موسیقی و ممانعت شدید از آن را می‌توان وجه تفاوت دیگری بین رسانه‌های داعش و جیش رجال دانست.

عراق؛ وحدت بخش گسست‌ها

در ادبیات جیش رجال بسیار اتفاق می‌افتد که عراق را از آن رو که مام میهن است با عنوان مادر بخوانند گاهی نیز عراق به عنوان پدر و مادر هر دو خواننده می‌شود. این وطن‌گرایی که خود را در عراق گرایی نشان می‌دهد به هیچ وجه در گفتمان گروهی مثل داعش دیده نمی‌شود. در برخی از تولیدات رسانه‌ای جیش رجال، این گروه و به ویژه شیخ گروه مایه وحدت تمام گروه‌ها و مذاهب و قومیت‌های عراق تلقی می‌شود. در تولیدات رسانه‌ای جیش رجال از وحدت شیعه و سنی و کرد و عرب و ترک، و حتی مسلمان و مسیحی زیر پرچم عراق سخن گفته می‌شود.

اشاره به مناطق و شهرهای مختلف عراق برای اشاره به چتر عراق به عنوان وطن و ستایش مقاومت و ایستادگی و شجاعت این شهرها یکی از پر بسامد ترین مفاهیمی است که در گفتمان جیش رجال دیده می‌شود. با توجه به تنوع قومی و مذهبی و قبیله‌ای و زبانی‌ای که در عراق وجود دارد گاهی وقتی قرار است از عراق به عنوان میهنی چتر گستر یاد شود عراق از شمال تا جنوبش ذکر می‌شود، امری که در گفتمان جیش رجال پر بسامد است. در این بین گاهی عراق از بصره تا زاخو یاد می‌شود، گاهی از بصره در جنوب و چمچمال در شمال سخن گفته می‌شود، گاهی از بصره تا سنجار گاهی نیز از بصره در جنوب و دهوک در شمال.

در قصاید و مدایح و اناشید جیش رجال یاد کردن شهرهای مختلف عراق و ستودن عزت و شرف هر کدام موضوعی پر تکرار است. در این بین اشاره به شهرهای سنی‌نشین در مقایسه با گفتمان داعش تفاوت زیاد احساس نمی‌شود، اما وقتی جیش رجال عتبات مقدسه شیعیان را نیز همان‌گونه که شیعیان می‌ستایند، ستودنی یاد می‌کند تفاوت با گفتمان رسانه‌ای داعش که از عتبات مقدسه شیعی با اهانت یاد می‌کند کاملاً روشن می‌شود.



نکته دیگری که باید اینجا یادآور شد این است که در گفتمان جیش رجال معمولاً از شهرهای عراق به وفور یاد می‌شود اما تقریباً می‌توان گفت نام شهرهایی از دیگر کشورها نمی‌آید. در این بین چنین گفتمانی با تفسیری که دامنه وسعت جغرافیایی جیش رجال را در حوزه نفوذ نقشبندی‌ها در منطقه بادیه که بین عراق و سوریه مشترک می‌باشد تا دیرالزور و رقه و البوكمال تلقی کرده و درواقع منطقه حضور داعش در اوج قدرتش را با این نگاه که جغرافیای توسعه داعش در عراق و شام همان جغرافیای حضور جیش رجال می‌باشد سازگاری ندارد.

کافر، مشرک و مرتد؛ دیگری گفتمان داعش

دیگری یا دشمن نیز در گفتمان داعش با جیش رجال متفاوت است. یکی از مهم‌ترین کارهای گفتمانی داعش دیگری‌سازی ایست که این گروه انجام می‌دهد. پیش از اینکه به تفصیل این امر بپردازیم تذکر چند نکته مهم است:

الف - داعش با استفاده از گونه‌ای منطق هم ارزی هر کس غیر از خود را «دیگری» و «دشمن» در نظر می‌گیرد. در نگاه داعش هر کس با این گروه معارضة کند از آن رو که این گروه تنها گروهی است که شریعت را برپا داشته و می‌دارد (در نگاه ایشان) و کسی که با این گروه مخالفت کند درواقع با برپا داشتن شریعت خدا مخالفت کرده پس دانسته یا نادانسته کافر خواهد شد، هرچند از نظر عقیده و باور مذهبی با داعش اختلافی نداشته باشد.

داعش به گونه‌ای رقبای خود مثل طالبان و القاعده را نیز به «دیگری» مرتد و کافر ملحق می‌کند و این گونه خود را تنها گروه بر حق تلقی می‌کند، گروهی که قرار است منجی امت اسلامی از گمراهی شرک و ارتداد باشد. داعش صراحتاً و بر مبنای ایدئولوژی خود اظهار می‌دارد که مسئله‌اش مسئله زمین نیست بلکه مسئله‌اش تحکیم شریعت خداست از همین رو مثلاً سرزمین‌هایی که یهود در فلسطین بر آن‌ها حکم می‌کنند و سرزمین‌هایی که دولت فلسطین و حماس بر



آن‌ها حکم می‌رانند در نزد ایشان یک حکم دارد.

دیگری‌های داعش به نظر می‌رسد طبق اولویت‌بندی‌ای ایدئولوژیک در نظر گرفته می‌شوند هرچند حکم همه شان یکی است. به نظر می‌رسد اولین دشمن همان یهود در نظر گرفته می‌شوند که گاهی تحت تعبیر احفاد القدره و الخنازیر (نوادگان میمون و خوک‌ها) از آن‌ها یاد می‌شود. حتی شیعه که از سوی برخی تحلیل‌گران به عنوان دشمن اول داعش شمرده می‌شود در نگاه توهم توطئه‌ای دواعش از سوی عبدالله بن سبا یهودی به انحراف کشیده شده است. از نظر ایشان مسیحیت نیز از سوی پولس یهودی منحرف شده است. از نگاه داعش درواقع این انحرافات و تمام توطئه‌هایی که امروز علیه مسلمانان رخ می‌دهد از تحریک صلیبی‌ها گرفته تا حمایت از روافض و حاکم کردن طواغیت عرب همه توطئه‌ای یهودی شمرده می‌شود، پس از نظر ایشان رأس تمام فتنه‌ها یهودند.

داعش تلاش می‌کند که اولویت‌بندی در مسئله «دیگری» را چه در بیانیه‌ها و حتی در تصاویر رعایت کند. ابو محمد عدنانی سخنگوی سابق داعش در بیانیه صوتی‌ای تحت عنوان «قل للذین كفرو ستغلبون» دشمنان داعش را این‌گونه می‌خواند: «ایها الصلیبیون، ایها الروافض، ایها العلمانیون، ایها المرتدون، و یا یهود...» درواقع ابومحمد عدنانی با لحن خود گروه نخست و متمایز را با واو عطف در آخر می‌آورد و این نشانه ایست از متمایز بودن یهود نسبت به دیگر دیگری‌ها. اما بعد از یهود صلیبی‌ها قرار دارند که در رأس آن‌ها آمریکا قرار دارد¹ و بعد از آمریکا دیگر کشورهای مسیحی از جمله فرانسه و انگلستان. داعش آمریکا را در رأس صلیبی‌ها قلمداد می‌کند و گفتمان جنگ‌های صلیبی را پیش می‌کشد، گفتمانی که در قرن 21 از نزاع بن لادن - بوش آغاز شده بود. در این بین گاهی از اتحاد بین صلیبی‌ها و یهود با عنوان صهیو صلیبی یاد می‌شود. پس از

1. آمریکا به عنوان دیگری جایگاه ویژه‌ای در گفتمان داعش دارد به عنوان نمونه رک: ولانتظرون، مؤسسه الحیاء. یا مثلاً در فیلم صیادو الدروع از ولایه نینوی موضوع اصلی چگونگی مواجهه داعش با تانک پیشرفته آبرامز است (صیادو الدروع، ولایه نینوی، ربیع الاول 1438).

صلیبی‌ها به نظر می‌رسد روافض و طواغیت در یک سطح قرار می‌گیرند. روافض که شیعیان هستند، طواغیت نیز تمام حاکمان سنی و غیر سنی جهان اسلام، از رهبران عربستان سعودی گرفته تا سیسی در مصر تا رهبران کشورهای شمال آفریقا و.... در این بین ملحدان را نیز می‌توان به این طبقه ملحق کرد. در عرصه سیاسی گروه‌های کرد به ویژه پ ک ک را داعش ملاحد می‌نامد. اما دو طبقه یا سطح دیگر از دیگری‌ها وجود دارند که شاید بتوان آن‌ها یا دست‌کم آخرین طبقه دیگری را رقیب داعش هم نام نهاد. طبقه دیگر را داعش «صحوات الرده» می‌نامد، و درواقع این واژه ارجاعی است به گروه‌های صحوه که نیروهای آمریکایی و عراقی برای مقابله با دولت عراق اسلامی و شاخه القاعده در عراق ایجاد کردند، گروه‌هایی عشیره‌ای که توانستند ضربات مهلکی بر دولت عراق اسلامی و شاخه القاعده در عراق وارد سازند. درواقع داعش امروزه بیشتر گروه‌های سنی عشایری و غیر عشایری یا با ریشه اخوانی را که از سوی قدرت‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی حمایت می‌شوند را صحوات الرده می‌نامد و ایشان را به طواغیت و مرتدان ملحق می‌کند. دسته بعدی که بی شک رقبای داعش هستند گروه‌های وابسته به القاعده و جبهه النصره هستند که گاهی از سوی داعش تحت عنوان صحوات و گاهی با عنوان «مدعیان جهاد» یا «یهود الجهاد» یاد می‌شوند. لازم به ذکر است که داعش بخش عمده‌ای از تولیدات رسانه‌ای خود را به مشروعیت‌زدایی از رقبایی چون القاعده و طالبان و گروه‌هایی مثل احرار الشام اختصاص داده و می‌دهد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت که دیگری‌های داعش به ترتیب عبارت‌اند از:

- 1- یهود (احفاد القرده والخنازیر)
- 2- نصاری (عباد الصلیب)
- 3- طواغیت، روافض (الصفویین)، علوی‌ها (النصیریة)، الملاحد



اشغالگر؛ ديگرى گفتمان جیش رجال

بايد گفت که داستان «ديگرى» در گفتمان جیش رجال با داعش تفاوت‌هاى عمده‌اى دارد. درواقع جیش رجال از آن رو که مشروعيت مبارزه خود را بر مبنای وجود اشغالگرى آمريکا بنا نهاده است، ديگرى‌اى که بر مى‌سازد نيز عمدتاً آمريکاي اشغالگر است. تعابيري که جیش رجال از نيروهاى آمريکايي ارائه مى‌دهند در کنار تأکيد بر کفر ايشان که مورد نظر گروهى مثل داعش هم مى‌باشد، بر اشغالگرى آمريکايي‌ها تأکيد مى‌کنند و با وام گرفتن از گفتمان رسمى حزب بعث پيش از سقوط صدام از واژه «علوج» براى توصيف نيروهاى آمريکايي بهره مى‌برند. همچنين معمولاً کاخ سفيد در ادبيات جیش رجال با عنوان «البيت الاسود» (خانه سياه) توصيف مى‌شود. اينها تعابيري هستند که معمولاً از سوي گفتمان رسانه‌اى داعش تکرار نمى‌شوند و بيشتر در گفتمان بعثى مورد استفاده قرار مى‌گيرند.

جیش رجال در مانفيسٲ اوليه خود هرگونه هدف قرار دادن عراقى‌ها را در هر منصب و مقامى غير مشروع مى‌دانستند. اما اين امر با گذشت زمان قيدهايى به خود ديد، به گونه‌اى که با گذشت زمان کشتن عراقى به خاطر دفاع از نفس و دفاع از جیش رجال مشروع تلقى شد. سخنگوى جیش رجال، صلاح‌الدين الايوبى در مصاحبه‌اى با شبکه البابليه مى‌گويد: «در مسئله عدم هدف قرار دادن عراقى‌ها ما هم قسم شده ايم اما اگر کسى خودش سپر اشغالگر شود و يا به ما حمله کند از باب دفاع نفس با او برخورد مى‌کنيم».

با خروج رسمى نيروهاى آمريکايي از عراق در سال 2011، تأکيد صرف بر حضور آمريکايي‌ها به عنوان هدف مشروع شکل‌گيري جیش مى‌توانست



مشروعیت خود را از دست بدهد. از همین رو جیش رجال تمهیدی جدید چید و از طرفی عقب‌نشینی آمریکایی‌ها را دروغین تلقی کرد و البته شکل جدیدی از اشغالگری را از سوی آنچه «العدو الامریکی الصهیونی المجوسی» خواند جایگزین اشغالگر پیشین دانست. درواقع جیش رجال به لحاظ گفتمانی نمی‌توانست مفهوم «احتلال» یا اشغالگری را به مثابه پایه مشروعیتش رها کند، از همین رو با تغییراتی تفسیری جدید از اشغالگری و وظیفه «تحریر» و آزادسازی عراق از اشغال ارائه داد. از همین رو سیاست‌مداران عراقی را دست‌نشانندگان اشغالگران و حتی دولت مالکی را دولت چهارم «احتلال» تلقی کردند و تحریر و یا آزادی را تحریر و آزادی‌ای کامل، شامل و عمیق دانستند، که صرف اعلام رسمی خروج آمریکایی‌ها را نمی‌توان وافی به مقصود این «تحریر» دانست، امری که همچنان فعالیت جیش رجال را علیرغم اعلام رسمی خروج آمریکایی‌ها از عراق در قالب تلاش برای آزادسازی عراق از اشغالگری مشروعیت می‌بخشید.

مسئله دیگری که باید در اینجا بدان اشاره شود نگاه جیش رجال به ایران است. درواقع جیش رجال ایران را به ویژه پس از خروج رسمی آمریکایی‌ها بیش از پیش به عنوان دیگری قلمداد می‌کند، هرچند پیش از اعلام خروج رسمی آمریکایی‌ها ایران در سایه دیگری بزرگی چون آمریکا در گفتمان جیش رجال زیاد به چشم نمی‌خورد. در این بین با توجه به رابطه جیش رجال با تجربه حزب بعث در عراق، گاهی در قصاید و سرودها و مدایح به رابطه حزب بعث عراق با ایران و به ویژه جنگ تحمیلی اشاره می‌شود و به گونه‌ای جیش رجال خود را میراث خوار گفتمان بعث در جنگ عراق علیه ایران تلقی می‌کند. جالب این است که فرایند تمسک به قالب مبارزه با اشغالگری و تهی کردن آن از محتوا و تغییر مصداق آن در گفتمان جیش رجال در این اواخر و پس از به پیروزی رسیدن ترامپ در انتخابات ایالات متحده آمریکا به اوج خود رسید به گونه‌ای که عزت ابراهیم‌الدوری به عنوان دبیرکل حزب بعث عراق طی بیانیه‌ای ایده‌های



ضد ایرانی ترامپ را به فال نیک گرفت و او را در طرد اشغالگران ایرانی از عراق تأیید کرد. البته نمی‌توان گفت که آیا باید گفتمان عزت الدوری و گفتمان جیش رجال در این زمینه را یکی تلقی کرد یا خیر.

در هر صورت اگر بخواهیم گفتمان جیش رجال را با داعش در این زمینه مقایسه کنیم باید بگوییم که داعش به خلاف جیش رجال هیچ‌گاه خود را ادامه دوره سابق تلقی نکرده، بلکه حزب بعث را حزبی کافر و دوره سابق را دوره‌ای نامشروع تلقی می‌کند، از طرفی همچنان آمریکا را دشمن اصلی خود تلقی می‌کند. اما موضع‌گیری جیش رجال در قبال عربستان سعودی و متحدانش نیز درخور توجه می‌باشد. جیش رجال به ویژه در زمان‌های متأخرتر در بیانیه‌های خود حمایت ویژه‌ای از عربستان و محور تشکیل شده از سوی عربستان نشان می‌دهد تا جایی که جیش رجال پس از تشکیل به اصطلاح اتحاد نظامی اسلامی از سوی عربستان انضمام خود به این اتحاد را اعلام کرد، همچنان‌که پیش از این عملیات «عاصفه الحزم» عربستان علیه یمن را نیز ستوده بود. این در حالی است که داعش همواره عربستان سعودی را چنانکه پیش از این نیز بدان اشاره شد به ویژه در تولیدات رسانه‌ایش به عنوان یکی از مهم‌ترین دشمنان خود تلقی کرده و می‌کند.

رسانه «داعش» و «جیش رجال» در قبال یکدیگر

حال که به تفاوت نگاه رسانه‌ای داعش و جیش رجال بیش از پیش پی بردیم بهتر است نگاه این دو گروه را در قبال یکدیگر نیز جویا شویم. به طور کلی می‌توان گفت جیش رجال در فیلم‌های خود اشاره‌ای به داعش نمی‌کند هرچند می‌توان در بیانیه‌های این گروه به ویژه بیانیه‌های اخیرش پس از رویارویی با داعش پس از سقوط موصل اشاره به داعش را دید. جیش رجال که معمولاً داعش را تحت عنوان «التنظیم الارهابی المتطرف» (سازمان تروریستی افراطی) در بیانیه‌ها و مقالات خود معرفی می‌کند، به طور مشخص پس از انتشار فیلم شفاء

الصدور که صحنه‌های سوزاندن خلبان اردنی را به تصویر می‌کشد بیانیه تسلیتی صادر کرد و جالب است که این جنایت را به ایران منتسب کرد. درواقع جیش رجال همچون برخی رسانه‌های عربی به ویژه رسانه‌های منتسب به عربستان سعودی و متحدان سعودی‌ها داعش را به ایران منتسب می‌کند. از سویی داعش نیز در فیلم‌های خود هیچ‌گاه جیش رجال را ذکر نمی‌کند، در این بین یک مقاله اینترنتی وجود دارد که شخصی که گویا طرفدار داعش می‌باشد به شدت جیش رجال را مورد هجوم قرار داده و این گروه را تحت عنوان «صحوات» یاد می‌کند.

سخن پایانی

با توجه به آنچه گفته شد به خوبی می‌توان گفت که گفتمان رسانه‌ای داعش و جیش رجال الطریقه النقشبندیہ نزدیکی چندانی به هم ندارند. بر همین مبنا می‌توان گفت همکاری این دو گروه در مقطع سقوط موصل بر اساس گفتمان رسانه‌ای این دو گروه نمی‌تواند نشان از قرابت ایدئولوژیک این دو گروه داشته باشد، و می‌توان گفت که احتمالاً دو گروه هدف مقطعی خود را سقوط شهرهای مختلف و چه بسا بغداد تلقی کرده بودند و اختلافات ایدئولوژیک خود را تا اطلاع ثانوی نادیده گرفته بودند، هرچند داعش پس از اینکه از استقرار نسبی برخوردار شد اعضای جیش رجال الطریقه النقشبندیہ را با دوراهی توبه و پیوستن به داعش و یا اتهام ارتداد مواجه ساخت.

در پایان باید گفت که این نوشته قصد شناسایی کامل این دو گروه به ویژه جیش رجال الطریقه النقشبندیہ را نداشت، چه این امر مجالی موسع‌تر می‌طلبد از طرفی تنها رسانه‌های تصویری دو گروه را مد نظر قرار داده بود، چه اگر بیانیه‌های دو گروه مد نظر می‌بود مسائل دیگری می‌بایست مطرح می‌شدند. درواقع آنچه در این نوشته آمد قصد آن داشت تا در مقایسه و تقابل دو گفتمان و با توجه به تفاوت آن‌ها آشنایی بیشتری نسبت به وضعیت دو گروه مد نظر داده شود.



منابع و مأخذ

کتابها

- حمدان، نصیف جاسم، داعش و حرب العقول كيف سخر داعش الدبابه الاعلاميه، دار الكتب العلميه، بغداد، 2016.
- الزبيدي، حسن لطيف، العبادي، نعمه محمد، لافي سعدون، عاطف، العراق و البحث عن المستقبل، المركز العراقي للبحوث والدراسات، نجف - بيروت.
- سيدين، علي، شمينه پوشان فرهنگ سلسله‌های صوفيه، تهران، 1387
- العزاوي المحامي، عباس، موسوعه عشائر العراق اهل الارياف، المجلد الثالث، الدار العربيه للموسوعات، بيروت، 2005-1425
- قزويني حائري، ياسر، تحولات عراق از سقوط صدام تا تصويب قانون اساسي ريشه‌ها و ساختارها، پايان نامه براي دريافت کارشناسي ارشد، دانشگاه تهران، 1386.
- موجاني، سيد علي، ريشه‌های تجديد حيات خلافت اسلامي و تأثير ژئوپلتیک آن، مرکز آموزش و پژوهش‌های بين المللی، تهران، 1394.
- Ignatius , David, A terrorist with gang-leader charisma, Washington post, June 24, 2014.
- Hofmann, David C, Warriors and Prophets: The Role of Charismatic Authority in the Radicalization Towards Violence and Strategic Operation of Terrorist Groups, A dissertation presented to the University of Waterloo in fulfilment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy in Sociology and Legal Studies.

مطبوعات و اینترنت

- ابوهنيه، حسن، جيش رجال الطريقه النقشبنديه، مركز الامارات للدراسات والاعلام (ايماسك) <http://emasc-uae.com/news/pdf/3179>
- الاستهزاء بالدين صفه الكفار والمنافقين، النبأ، العدد الخامس والثلاثون 9/ 9/ 1437 هـ.
- حمد جاسم محمد الخزر جي، «البعث» والنقشبنديه و «داعش» بعد الدورى، الحياه، الثلاثاء، 28 أبريل / نيسان 2015، «<http://www.alhayat.com/Opinion/Letters/8834399/>» البعث»-والنقشبنديه-و- «داعش»-بعد-الدورى.
- محسن آزموده، ميراث خوار نگاه ضد ارسطويى، كتابشناسى داعش در گفت و گو با ياسر قزوينى حائري، همشهري ديپلماتيك، شماره 100 شهريور و مهر 96.
- النبأ، العدد الرابع والتسعون، الخميس، 24 ذوالقعدة 1438.
- from hijrah to khilafah, Dabiq,1, shaban 1435.
- From Jihad to Fasad, Dabiq,11,dhul-qadah1436.
- The Islamic State before al-Malhamah, Dabiq,3, shawal.





فیلم‌ها و فایل‌های صوتی

- بیانیه ابومحمد عدنانی تحت عنوان اجیبو داعی الله، موسسه الفرقان، رمضان 1437.
- بیانیه ابومحمد عدنانی تحت عنوان قل للذین كفرو ستغلبون، موسسه الفرقان.
- بیانیه جیش رجال به تاریخ عصر 16 محرم 1438 هجری 17 اکتبر 2016 میلادی تحت عنوان «تصریح الناطق العسکری لجیش رجال الطریقه النقشبندیہ بصدد عملیات الجیش ضد التنظيم الارهابی داخل مدینہ الموصل عصر یوم 17 ت 1 2016»
- بیانیه صوتی عزت ابراهیم الدوری پس از اشغال استان‌های نینوی و صلاح الدین توسط داعش.
- عزه الدوری نائب صدام حسین یطالب ترامب بطرد ایران من العراق وإعادة الحكم للبعث (فایل صوتی سخنان منتسب به عزت الدوری)، سایت شئون عربیه.
- مصاحبه شبکه البابلیه با سخنگوی جیش رجال الطریقه النقشبندیہ صلاح الدین الایوبی.
- مصاحبه شبکه الغربیه با صلاح الدین الایوبی، 2014/8/1
- **فیلم‌های تولیدی جیش رجال الطریقه النقشبندیہ:** الاصدار 7، الاصدار 10، الاصدار 12 (فناص العراق)، الاصدار 14، الاصدار 15، الاصدار 16، الاصدار 26، الاصدار 28، الاصدار رقم 30 (جاء الحق)، الاصدار 51، الاصدار رقم 52، الاصدار رقم 55، الاصدار 60، الاصدار 68، الاصدار 69، الاصدار رقم 70، الاصدار 73، الاصدار 75، الاصدار رقم 76، الاصدار 78، الاصدار 79، الاصدار 81، الاصدار 83، الاصدار 84، الاصدار 89، الاصدار 90، الاصدار 91، الاصدار 92، الاصدار 93، الاصدار 94، الاصدار 98، الاصدار 100، الاصدار 101، الاصدار 102، الاصدار 103، الاصدار 106، الاصدار 107، الاصدار 108، الاصدار 110، الاصدار 111، الاصدار 112، الاصدار 113، الاصدار 114، الاصدار 115، الاصدار 117، الاصدار 119، الاصدار رقم 120، الاصدار 121، الاصدار 124، الاصدار 128، الاصدار 129، الاصدار 130، الاصدار 132، الاصدار 136، الاصدار 153، الاصدار 175، الاصدار رقم 177، الاصدار رقم 178، الاصدار رقم 179، الاصدار 180، الاصدار رقم 181، الاصدار 182، الاصدار 183، الاصدار 184، الاصدار 185.
- **فیلم‌های تولیدی داعش:** علی منهاج النبوه، موسسه الفرقان، 1435هـ. ولانتظرون، موسسه الحیاه. شروق الخلافه و عوده الدینار الذهبی، مؤسسه الحیاه. آخر الزمان، مؤسسه الخیال. الخلافه الاسلامیه، مؤسسه الخیال. الی النور، ولایه حلب، جمادی الاول 1437. مقبره المرتدین 2، ولایه خراسان، رمضان 1437. امه واحده، ولایه الفرات، رمضان 1438. حمایه الدین، ولایه الفرات، ذوالقعدہ 1436. حمایه الدین 2، ولایه الفرات، صفر 1437. حمایه الدین 3، ولایه الفرات، شعبان 1437. من الذل الی العزه، ولایه طرابلس، شعبان 1437. بین هجرتین، ولایه الخیر، شعبان 1437. یحبون من هاجر الیهم، موسسه الفرات، محرم 1438. غزوه ابوبصیر القرشی، ولایه صلاح الدین، جمادی الاول 1437. رسائل من ولایه دمشق 1، ولایه دمشق، ذوالقعدہ 1436. اعدیو الرعب الی یهود بتفجیر و حرق وطعن، ولایه الخیر، محرم 1437. صیادو الدروع، ولایه نینوی، ربیع الاول 1438. رحی الحرب، موسسه الذئاب المنفرده للاعلام الجهادی، ذوالحججه 1438. سهام اللیل، ولایه الجزیره، ربیع الثانی 1437. سحرو الناس

واسترهيوهم، ولايه الخير، ربيع الثانى 1437. فرسان مغرب الاسلام، ولايه الفرات، ربيع الثانى 1437. رسائل الى بلاد الحرمين، ولايه الجزيره، ربيع الاول 1436. آل سلول لا ولاء ولا براء، ولايه الجنوب، ربيع الاول 1437. البذر الخبيث في بلاد الحرمين الاسيره، ربيع الاول 1437. ارض الجزيره الاسيره، ولايه الرقه، ربيع الاول 1437. اخرجو المشركين من جزيره العرب، ولايه الانبار، ربيع الاول 1437. وان غدا لناظره قريب، ولايه البركه، ربيع الاول 1437. هم العدو فاحذرهم، ولايه الفرات، ربيع الاول 1437. اليكم يا طواغيت جزيره العرب، ولايه برقه، ربيع الاول 1437. اليكم ايها الغيارى، ولايه حضرموت، ربيع الاول 1437. رساله الى اهل السنه في بلاد الحرمين، ولايه حلب، رمضان 1436. يا ليت قومي يعلمون، ولايه حمص، ربيع الاول 1437. قل انى على بينه من ربي، ولايه صلاح الدين، ربيع الاول 1437. تجار الدين، ولايه نينوى، شوال 1437. صبرا بلاد الحرمين، ولايه نينوى، ربيع الاول 1437. عزه الجهاد، ولايه البركه، ذوالحجه 1437. قراع الاحزاب فى مخيم اليرموك، ولايه دمشق، محرم 1438. المغرب الاسلامى آلام و آمال، البتار، 1437. غزوه النيجر، ولايه غرب افريقيه، رمضان 1437. فرسان الشهاده 7، مؤسسه الفرقان، دوله العراق الاسلاميه. لهيب الحرب 2- باقون الى قيام الساعه، مؤسسه الحياه.

بيانيه‌ها

- بيان جيش رجال الطريقه النقشبندیه بصدد اطلاق العمليه التاريخيه العظيمه المباركه (عاصفه الحزم). 6 جمادى الاخره 1436هـ 26 آذار 2015 م.
- بيان جيش رجال الطريقه النقشبندیه يعلن فيه الانضمام الى التحالف الاسلامى العسكرى، 4 ربيع الاول 1437هـ 15 كانون الاول 2015م.
- بيان قياده جيش رجال الطريقه النقشبندیه ينذر فيه ما يسمى بـ (الحشد الشعبى) المولى لماللى طهران المجوس والميليشيات الطائفيه العنصريه من دخول مدينه الموصل.
- بيانيه قياده جيش رجال الطريقه النقشبندیه 18 ربيع الثانى 1436هـ 7 شباط 2015م.

